

## گذشت، احسان و صلۀ رحم\*

آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح

### چکیده

امیرمؤمنان علیؑ در ادامه خطبه نورانی خود، پنج نشانه دیگر شیعه واقعی پرهیزگار را این‌گونه معرفی می‌کنند: «يَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَهُ، وَ يُعْطِي مَنْ حَرَمَهُ، وَ يَصِلُ مَنْ قَطَعَهُ، قَرِيبَ مَعْرُوفِهِ، صَادِقُ قَوْلِهِ، حَسَنُ فِعْلِهِ، مُقْبِلُ خَيْرِهِ، مُدْبِرُ شَرِّهِ، غَائِبُ مَكْرِهِ»؛ از کسی که به او ستم کرده است، درگذرد؛ و بر کسی که او را محروم کرده، دست کرم گشاید؛ و با آن کس که خویشاوندی او را بریده است، صلۀ رحم کند. خوبی‌ها و احسانش نزدیک و زبانش، و گفتارش راست، و کردارش نیکو است و به کارهای خیر روی آورد و کار ناپسند از او دیده نشود و از مکر و حيله به دور باشد. این مقاله شرح استاد برای کلام امیرمؤمنانؑ است، به تفصیل شاخص‌ها و مصادیق هریک از این نشانه‌ها را شرح می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: شیعیان، احسان، صلۀ رحم، امر به معروف و نهی از منکر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## چشم‌پوشی از رفتار زشت دیگران

واقعی در برابر هر سه قسم رفتار ناپسند دیگران است و بر هر مسلمانی نیز لازم است در برابر رفتار ناپسند دیگران واکنش و رفتار پسندیده و کریمانه‌ای داشته باشد.

اگر شیعه واقعی به کمک و دستگیری دیگران نیاز داشت، اما آنان کمکشان را از او دریغ داشتند، او جفا و کوتاهی انجام‌شده در حقش را فراموش می‌کند و اگر زمانی همان شخص کوتاهی‌کننده به کمک و یاری او نیازمند شد، مقابله‌به‌مثل نمی‌کند و به یاری‌اش می‌شتابد.

### اهمیت صلۀ رحم و خودداری از قطع رحم

یکی از وظایف شرعی - اجتماعی و واجبات الهی، صلۀ رحم و رسیدگی به خویشاوندان است. صلۀ رحم و رسیدگی به خویشاوندان چنان اهمیتی دارد که خداوند در قرآن پس از سفارش به رسیدگی و احسان به پدر و مادر بدان سفارش کرده و می‌فرماید: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ» (بقره: ۸۳)؛ و [به یاد آرید] آن گاه که از فرزندان اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و تهیدستان نیکی کنید و به مردم سخن خوش و نیک بگویید و نماز را برپا دارید و زکات دهید. پس جز اندکی از شما پشت کردید، در حالی که [از حق] روی گردان بودید.

قطع رحم و ترک صلۀ رحم، گناهی بزرگ است و هم عقوبت دنیوی دارد و هم اخروی. کسی که پیوند خویشاوندی را قطع کند، خداوند نیز رحمت‌های ویژه‌اش را از او بازمی‌دارد.

«يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (بقره: ۲۶ و ۲۷)؛ [خدا] بسیاری را با آن گمراه کند و بسیاری را راه نماید، و حال آنکه جز بدکاران نافرمان را بدان گمراه نگرداند [زیرا گمراه‌شدن آنان پیامد اعمال بد خودشان است]. آنان که پیمان خدا را پس از بستن و استوار کردن آن می‌شکنند و آنچه را که خدا به پیوند آن فرمان داده است، می‌گسلند، و در زمین تباهی می‌کنند، اینان اند زیان‌کاران.

وظیفه ما در برابر کسی که قطع رحم می‌کند و با ما رفت‌وآمد

گاهی انسان در جامعه با رفتارهای ناپسند و ناشایست مواجه می‌شود، مثلاً کسی بی‌ادبی می‌کند و سخن زشتی می‌گوید یا به انسان ظلم و ستم می‌کند، وظیفه ما در برابر چنین رفتاری چیست؟ بخش نخست وظایفمان شخصی و به خودمان مربوط است و در واقع رفتار شخصی است که باید انجام دهیم. بخش دیگر وظایف ما در قبال دیگران است. بخشش از این دسته وظایف، و در برابر رفتار ناپسند دیگران است. رفتارهای ناپسند چند گونه‌اند:

۱. رفتاری که ارتباط مستقیمی با ما ندارند، اما ناهنجار، گناه و معصیت و تضییع حقوق و احکام الهی به‌شمار می‌آیند. وظیفه ما در قبال این رفتارها، یعنی رفتارهایی بدون تعرض به حقوق، مال، جان و آبروی ما، اما مخالف با اوامر و تکالیف الهی همراه با معصیت او، امر به معروف و نهی از منکر است که در جای خود باید به آن پرداخته شود، اما در اینجا مدنظر امیرمؤمنان علیه السلام نیست؛

۲. رفتار ناپسند در حق ما؛ این رفتار، هم رفتاری را شامل می‌شود که روا نیست انجام پذیرد، اما دیگری در حق ما جفا می‌کند و آن رفتار را انجام می‌دهد و هم ترک و خودداری از رفتاری را شامل می‌شود که باید در حق ما انجام پذیرد. این رفتار به سه دسته تقسیم می‌شود:

دسته اول، اینکه دیگران وظایفشان را در قبال ما انجام ندهند و آنها را ترک کنند؛ مانند خویشاوندی که باید به ما محبت کند و با ما ارتباط داشته باشد، اما او محبت و رابطه‌اش را از ما دریغ می‌دارد و قطع رحم می‌کند. دسته دوم، کارهایی است که دیگران نباید در حق انسان انجام دهند، اما آنها از روی ظلم و ستم آنها را انجام می‌دهند، مثلاً به جان و بدن انسان زیان می‌رسانند یا به مالش تجاوز می‌کنند و حقوق مالی‌اش را تضییع می‌کنند، یا عرض و آبروی او را محترم نمی‌شمارند و هتک حرمت او می‌کنند، یا همسایه به همسایه‌اش ظلم می‌کند، یا شریکی در حق شریکش خیانت می‌کند. دسته سوم، ترک کارهای لازم و واجب یا انجام دادن کارهای ناپسند و حرام نیست، بلکه ترک کارهایی است که حسن اخلاقی دارد و در فقه مستحب است و چون مصداق اخلاقیات اجتماعی‌اند، انجام آنها نیکو و شایسته است، مثلاً هرگاه دوست ما به پول نیاز داشت، و ما می‌توانیم، به او پول قرض دهیم، ولی از این کار خودداری کنیم.

آنچه امیرمؤمنان علیه السلام نشانه شیعه واقعی دانسته‌اند، واکنش شیعه

را هر جا یافتید، بکشید و از همان جا که بیرونتان کردند [مکه] بیرونشان کنید و فتنه [ای که آنها کردند] - کفر و شرک و شکنجه کردن و بیرون راندن مؤمنان - از کشتار [ی که شما کنید] بدتر است، و نزد مسجد الحرام با آنها کارزار نکنید، مگر آنکه در آنجا با شما کارزار کنند. پس اگر با شما کارزار کردند، بکشیدشان که سزای کافران چنین است، و اگر باز ایستادند، خداوند آمرزگار و مهربان است... [این] ماه حرام به [آن] ماه حرام، و [شکستن حرامها و] حرمتها را قصاص است. پس هر که بر شما تجاوز کند، بهمانند آن بر او تجاوز کنید (از اندازه مگذرید) و از خدا پروا داشته باشید و بدانید که خدا با پرهیزگاران است.

#### ب. واکنش برابر

دوم اینکه مقابله به مثل کنیم؛ یعنی واکنشمان با ظلم روا شده در حقمان برابر باشد. این رفتار روا شمرده شده و بر این اساس قصاص تشریح شده است. شرع مقدس به فردی که به ناحق خسارت و نقض و زخمی به بدن او وارد شده است، حق قصاص می دهد و وی می تواند در همان حد تلافی کند. همچنین به بستگان مقتول اجازه می دهد قاتل را قصاص کنند؛ یعنی جان قاتل را در برابر قتل انجام شده بگیرند، و در مواردی که شرع اجازه مقابله به مثل داده است، می توان در برابر خسارت های فردی و نیز در برابر تجاوز و خسارت های گروهی مقابله به مثل کرد، مثلاً هرگاه گروهی از مردم به گروهی دیگر حمله کردند، گروهی که به آنان تجاوز شده است حق دارند از خود دفاع کنند؛ اما نباید در دفاع از خود و دفع تجاوز زیاده روی کنند.

#### ج. بخشش

سوم، بخشش و نادیده گرفتن ظلم و ستم روا شده در حق انسان. بخشیدن ستمگر و چشم پوشی از ظلم و جفای وی یکی از ارزش های والای اخلاقی است جز در موارد استثنایی. مثل اینکه چشم پوشی از ظلم موجب جری شدن ظالم و اصرار بیشتر او بر ظلم به دیگران شود.

#### د. احسان

چهارم، افزون بر آنکه مظلوم از ظلم انجام شده در حقش درمی گذرد، و آن را تلافی نمی کند، به کسی که به وی ظلم کرده، و حقش را ضایع کرده است، احسان و نیکی نیز بکند. این رفتار کریمانه در قلۀ

نمی کند و قطع رحم می کند، مقابله به مثل نیست، بلکه وظیفۀ ما صلۀ رحم و برقرار کردن ارتباط با اوست. از این رو حضرت، صلۀ رحم و حفظ پیوند خویشاوندی را نشانه شیعیۀ واقعی دانسته و می فرماید: شیعیۀ واقعی می کوشد پیوند خویشاوندی را حتی با کسانی که قطع رحم می کنند، حفظ، و صلۀ رحم کند.

### گونه های واکنش به تعدی و ظلم دیگران

#### الف. رفتار سخت تر و نابرابر

مهم تر از رفتاری که بر شمردیم، رفتار و وظیفۀ ما در برابر کسانی است که در حقمان ظلم کرده اند، خواه آن شخص ظالم خویشاوند، دوست و همسایه باشد، خواه بیگانه. واکنش ما در برابر ظالم مثلاً در برابر کسی که در معامله با ما کلاه برداری کرده، یا آبروی ما را ریخته، و به ما تهمت زده است، از چهار صورت خارج نیست: نخست اینکه در برابر ظلم و جفای او، ما واکنش شدیدتری نشان دهیم، مثلاً اگر کسی به صورت ما یک سیلی زده است، به صورت او دو سیلی بزیم، یا اگر مال ما را تصرف کرده است، ما دو برابر از مالش را تصرف کنیم. این نوع واکنش از نظر شرع و اخلاق اسلامی نادرست و نکوهیده است. روا نیست که در برابر ظلم یک فرد یا یک گروه واکنش ما شدیدتر از ظلم او باشد، زیرا این خود ظلم و ستم به حساب می آید. هنگام انتقام و مقابله به مثل، ما حق نداریم بیش از ظلم و خسارت وارد شده به ما، خسارت وارد کنیم. حتی خداوند به مسلمانان دستور می دهد در برابر مشرکان به عدالت رفتار کنند و تا آنها پیمان نشکستند، مسلمانان پیمان شکنی نکنند و بیش از خسارتی که وارد کرده اند به آنان زیان نرسانند.

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُواكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوا فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُواكُمْ فَاغْلُظُوا كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ... الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اغْتَدَى عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اغْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (بقره: ۱۹۰-۱۹۲ و ۱۹۴)؛ در راه خدا با کسانی که با شما کارزار کنند، بجنگید و از حد مگذرید [شما آغازگر جنگ نباشید و متعرض زنان و کودکان و پیران نشوید] که خدا از حدگذرندگان را دوست ندارد، و آنان [مشرکان و کافران حربی]

باید توجه داشت همواره و در هر وضعیتی، گذشت و بخشش فرد ستمگر مطلوب نیست. نخست آنکه اصل مطلوب بودن عفو و گذشت، هنگام داشتن توان مقابله با فرد ستمکار است، اما اگر مقابله به مثل نکردن در برابر ظلم به سبب نداشتن قدرت مقابله با ظلم باشد، خودداری فرد از مقابله به مثل ارزش به حساب نمی‌آید. آن‌گاه که انسان قدرت دارد ستم را از خود دفع کند، و می‌تواند با رفتار خود فرد ستمکار را به سزای عملش برساند، اما او را می‌بخشد و حتی در برابر ستم او به وی احسان و نیکی می‌کند، رفتاری ارزشمند و شایسته ستایش انجام داده است. این همان عفو و بخششی است که خداوند به آن سفارش می‌کند و می‌فرماید: «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۳ و ۱۳۴)؛ و بشتابید به سوی آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن آسمان‌ها و زمین است [و] از بهر پرهیزگاران آماده است. آنان که در آسانی [توانگری و فراخی و خوشی] و سختی [تنگدستی و زیان و ناخوشی] انفاق می‌کنند و فروخورندگان خشم و درگذرندگان از مردم‌اند و خدا نیکوکاران را دوست دارد.

در جای دیگر می‌فرماید: «وَلْيَغْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (نور: ۲۲)؛ و باید درگذرند و چشم ببوشند، آیا دوست ندارید که خدا شما را ببامرزد؟ و خدا آمرزگار و مهربان است.

### ضرورت مقابله آگاهانه با فساد و منکر

باید توجه داشت که در پاره‌ای موارد عفو و گذشت، راهکار مناسبی نیست و نادیده گرفتن رفتار زشت و ناپسند دیگری نشانه ضعف به حساب می‌آید و موجب گستاخ‌ترشدن فرد خطاکار و ظالم، و تکرار منکر و گناه از سوی او می‌شود؛ در نتیجه در دنیا و آخرت فرجام بدی برای آن شخص رقم خواهد خورد. در این صورت توبیخ، کیفر و مجازات فرد خطاکار موجب پشیمانی و دست کشیدنش از تکرار گناه و خطا می‌شود. اگر کسی که خطایی مرتکب شده است، مواخذه شود و بداند در صورت تکرار عملش، با رفتار جدی و کیفری بازدارنده مواجه خواهد شد، به خود می‌آید و از گناه و ظلم دست می‌کشد. گاهی به هیچ وجه گذشت و بخشش بخصوص از سوی مأموران حکومتی و مجریان قانون پسندیده نیست، مثلاً هرگاه کسی علنی

ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی قرار دارد و سیره ائمه معصومین<sup>ع</sup> بر آن استوار بوده است؛ یعنی ایشان ظلم و ستم روا داشته شده در حقشان را با احسان و خوبی پاسخ می‌دادند و این‌گونه ظالم را متنبه و بیدار، و از رفتار ناپسندش شرمگین می‌کردند. گاهی آن بزرگواران پنهانی برای کسی که با آنان دشمن بوده، و از آنان بدگویی می‌کرده است هدیه می‌فرستادند و اجازه نمی‌دادند آن شخص متوجه شود چه کسی برایش هدیه فرستاده است. ابو جعفر ختعمی درباره احسان و نیکی امام صادق<sup>ع</sup> به دشمن خود نقل می‌کند: «أَعْطَانِي الصَّادِقُ<sup>ع</sup> صِرَّةً فَقَالَ لِي ادْفَعْهَا إِلَى رَجُلٍ مِّن بَنِي هَاشِمٍ وَلَا تُعَلِّمُهُ أَنِّي أُعْطَيْتُكَ شَيْئًا. قَالَ فَاتَّيْتُهُ، قَالَ: جَزَاهُ اللَّهُ خَيْرًا، مَا يَزَالُ كُلَّ حِينٍ يَبْعَثُ بِهَا فَتَعِيشُ بِهِ إِلَى قَابِلٍ، وَلَكِنِّي لَا يَصِلُنِي جَعْفَرٌ بِدِرْهِمٍ فِي كَثْرَةِ مَالِهِ» (مجلسی، بی تا، ج ۴۷، ص ۲۳، ب ۲۶، ح ۲۶)؛ امام صادق<sup>ع</sup> کیسه زری به من داد و فرمود: این کیسه را به فلانی از بنی هاشم بده و به او نگو که من این کیسه را برای او فرستاده‌ام. گفت من کیسه را به آن مرد دادم. او گفت: خدا کسی را که این کیسه را فرستاده است پاداش خیر دهد، هر سال آن قدر به من می‌دهد که تا سال دیگر ما را کفایت می‌کند، ولی جعفر بن محمد<sup>ع</sup> با آن همه ثروتی که دارد، حتی یک درهم به ما نمی‌دهد!

این واکنش کریمانه به رفتار ناپسند دیگران، مصداق سخن خداوند است، آنجا که می‌فرماید: «وَلَا تَسْتَوِيَ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت: ۳۴)؛ و نیکی و بدی برابر نیستند، [بدی دیگران را] به شیوه‌ای که نیکوتر است دور کن که [اگر چنین کنی] آن‌گاه آن که میان تو و او دشمنی است، همچون دوستی نزدیک و مهربان شود. در این آیه شریفه خداوند به ما سفارش می‌کند در برابر بدی و جفای دیگران واکنش دوستانه و محبت‌آمیز داشته باشیم. اگر کسی ما را آزد و از ما بدگویی، یا به ما توهین کرد، ما نباید مانند او رفتار کنیم و بدی را با بدی پاسخ گوئیم و رفتار خشونت‌آمیزش را با خشونت پاسخ گوئیم و از او بدگویی کنیم؛ بلکه باید در حق او نیکی کنیم. احسان و نیکی در حق چنین کسی، باعث اصلاح رفتار او و ایجاد دوستی و صمیمیت بین ما و او می‌شود و با چنین رفتاری ما دشمن خود را از کردارش پشیمان، و او را به دوست خود تبدیل می‌کنیم و باعث می‌شویم که ارزش‌های پسندیده رفتاری در جامعه ترویج، و از رفتار ناپسند و ناهنجار کاسته شود.

### برخورد سازنده و کریمانه با عامل منکر

باید با عامل منکر رفتاری صحیح، سازنده و کریمانه داشت؛ مثلاً اگر کسی در مجلسی سخنی می‌گوید که در آن شبهه غیبت وجود دارد، سزاوار است برای نهی از منکر به او گفته شود، شاید شما مجوز شرعی برای غیبت داشته باشید و همچنین قصد انجام دادن غیبت حرام و گناه کبیره ندارید، اما بهتر است درباره دیگران به گونه‌ای سخن بگویید که آبرویشان نرود. با این نوع رفتار، ما شخص غیبت‌کننده را تفسیق نکرده‌ایم و به او گفته‌ایم شاید سخنان او از استثنای غیبت حرام باشد. همچنین به او تفهیم کرده‌ایم که بهتر است با سخنان خود به آبروی دیگران خدشه وارد نکند و باعث نشود که دیگران نیز بر غیبت کردن جرئت بیابند. این رفتار مناسب و سازنده اثر مثبتی بر غیبت‌کننده دارد و باعث نمی‌شود او واکنش منفی نشان دهد. اگر به‌تندی با غیبت‌کننده مقابله شود، یعنی او به‌شدت توبیخ و سرزنش شود، وی برای توجیه کارش و دفاع از خود، به تفسیق و حتی تکفیر کسی می‌پردازد که غیبتش را کرده است؛ یعنی برای توجیه گناه خود چند گناه دیگر نیز مرتکب می‌گردد. پس برای اینکه نهی از منکر اثر سازنده‌ای داشته باشد، باید به گونه‌ای انجام شود که هم آبروی گناهکار حفظ گردد و هم از گناه دیگر یا تکرار گناهش جلوگیری، و هم متنبه شود و دیگر کار خلاف شرع انجام ندهد.

مرحوم آیت‌الله بهجت<sup>ع</sup> نقل کردند، در مجلسی که میرزای شیرازی بزرگ (مرحوم آیت‌الله میرزا حسن شیرازی صاحب فتوای تحریم تنباکو) حضور داشتند، شخصی در مرثیه و روضه خود مطالب سست و نادرست خواند. در چنین مجالسی که روضه‌خوان روضه دروغ و بی‌سند می‌خواند ممکن است کسی به او اعتراض کند و با صدای بلند از او بخواهد که روضه بی‌سند نخواند. افراد حاضر در آن مجلس نیز انتظار داشتند مرحوم میرزا به آن واعظ و منبری اعتراض کند، اما وی هیچ واکنشی نشان نداد. یکی از نزدیکان مرحوم میرزا به ایشان گفت: آقا نهی از منکر نمی‌فرمایید؟ ایشان فرمود که بعداً به صورت خصوصی به او تذکر می‌دهم و درست نیست که در برابر جمع نهی از منکر کنم، زیرا هم آبروی او جلوی مردم از بین می‌رود و هم میان مردم به‌عنوان روضه‌خوان دروغ‌گو شناخته می‌شود و دیگر کسی به سخنان او اعتنا نمی‌کند.

این نوع رفتار منطبق بر اصول و قواعد اسلامی و آموزه‌هایی است که بر حفظ آبروی مسلمان و مؤمن تأکید می‌کند. آبروی مؤمن

در جامعه فساد و ظلم می‌کند، و با گردن‌فرازی امنیت جامعه را مختل می‌سازد، بر نیروهای انتظامی فرض است که براساس قانون او را دستگیر کنند و او را به سزای اعمالش برسانند. در این موارد، نیروی انتظامی حق اغماض و بخشش ندارد و بخشش و گذشت او، قصور و کوتاهی در اجرای قانون به حساب می‌آید. هرگاه فسق علنی و تجاوز به حقوق دیگران و اخلال در امنیت جامعه صورت گرفت، باید با رفتار جدی و قهرآمیز، قانون را اجرا، و از به‌خطر افتادن امنیت، جان و مال مردم و فاسدشدن فرهنگ جامعه جلوگیری کرد؛ زیرا در این موارد به حق شخصی مأموران حکومتی و مجریان قانون تعرض نشده است تا آنان اجازه عفو و بخشش داشته باشند، بلکه به حقوق جامعه تعرض شده است و آنان باید به‌شدت با متجاوزان به حقوق جامعه و مردم مقابله کنند. البته در اینجا نیز نباید توبیخ و تنبیه متجاوزان فراتر از عدالت و قانون باشد و افراط و زیاده‌روی در مقابله با مفسدان، خود فساد بزرگ است. گاهی افراد با تعصب دینی و قصد خیر، ولی ناآشنا به راه کارهای نهی از منکر به مقابله با فساد و نهی منکر می‌پردازند و ممکن است گاهی برای امر به معروف و نهی از منکر گناهی بزرگ‌تر از آن فساد و منکر انجام دهند؛ مثلاً به دلیل آنکه فرد بدحجابی عفت عمومی را خدشه‌دار کرده است، با او به‌تندی رفتار کنند، در نتیجه فرد بدحجاب نیز واکنش منفی نشان دهد و کار به درگیری بینجامد؛ اما اگر ناهی از منکر با شیوه‌های نهی از منکر آشنا باشد و نیز رفتار پسندیده و سازنده داشته باشد، چه‌بسا رفتارش بر عامل منکر اثری سازنده بگذارد و باعث شود او از گناه و منکر دست کشد؛ اما در صورت ناآشنایی با شیوه‌های نهی از منکر چه‌بسا فرد مقابله‌گر، خود چند منکر مرتکب شود و احتیاج به نهی کردن دیگران پیدا کند!

برخی ناخودآگاه هنگام نهی از منکر توهین می‌کنند، مثلاً وقتی درمی‌یابند حمد و سوره کسی اشکال دارد، با صدای بلند و برابر دیگران به او می‌گویند که نمازش باطل است، و او را سرزنش می‌کنند. گاهی اگر دل این افراد را بکاو، درمی‌یابی که به دلیل کینه و غرض شخصی آبروی مسلمانی را می‌ریزند. گاهی نیز غرض شخصی و سوءنیتی وجود ندارد، اما خواسته یا ناخواسته می‌خواهند به دیگران و آن فرد بفهمانند که از او بهترند. اگر چنین شائبه‌های شخصی و شیطانی‌ای در انسان وجود نداشته باشد، برای نهی از منکر باید خصوصی و پنهانی با سخنانی خوش و لحنی سازنده به فرد خطاکار تذکر دهد و از او بخواهد از گناه یا کوتاهی‌اش دست بردارد.

برای خداوند، و از نقص و عیب به دور باشند. باید توجه داشته باشیم که شیطان همواره در پی فرصت است تا ما را بفریبد. حتی هنگام انجام دادن تکلیف الهی نهی از منکر دامی در برابر ما قرار می‌دهد که چه بسا افتادن در آن خطرناک‌تر از ارتکاب آن منکر باشد.

چنان که ملاحظه شد امیرمؤمنان<sup>ع</sup> در فرازی از خطبه نورانی‌اش بخشش فرد ستمگر، صلۀرحم، احسان به دیگران و کردار نیک را از صفات شیعیان واقعی برشمردند. امام صادق<sup>ع</sup> نیز عبدالله جنبد را به این صفات ارزشمند سفارش می‌کنند و می‌فرمایند: «يَا ابْنَ جُنْدَبٍ صِلْ مَنْ قَطَعَكَ، وَأَعْطِ مَنْ حَرَمَكَ، وَأَحْسِنْ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ، وَسَلِّمْ عَلَى مَنْ سَبَّكَ، وَأَنْصِفْ مَنْ خَاصَمَكَ، وَأَغْفُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ» (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۸، ص ۲۸۵، ب ۲۴، ح ۱)؛ پسر جنبد، به دیدار خویشاوندی برو که با تو قطع رابطه کرده است و به کسی ببخش که تو را محروم ساخته است و به کسی نیکی کن که به تو بدی کرده است و با دشمن خویش انصاف داشته باش و ببخش کسی را که بر تو ستم روا داشته است.

اسلام به ما دستور می‌دهد حتی در برابر دشمنی که مجالی برای بخشش او وجود ندارد، و باید با او مقابله کرد، عدالت و انصاف را رعایت کنیم، و در قضاوت در حق او یا مجازات و کیفرش از حد نگذریم.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائده: ۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همواره برای خدا [به حق گفتن] برپا گواهان به عدل و داد باشید، و دشمنی گروهی شما را بر آن ندارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به پرهیزگاری نزدیک‌تر است و از خدا پروا کنید که خدا از آنچه می‌کنید آگاه است.

منابع.....

مجلسی، محمدباقر، بی‌تا، بحارالانوار، تهران، اسلامیة.

همانند جان و مالش محترم است و کسی حق ندارد به هر بهانه‌ای آبروی مسلمان و مؤمن را بریزد. یکی از طلاب عرب لبنانی برای من نقل کرد که من در نماز حضرت آیت‌الله بهجت<sup>ع</sup> شرکت کردم، با توجه به عرب‌زبان‌بودنم پنداشتم ایشان برخی کلمات را درست ادا نمی‌کنند و قرائت ایشان صحیح نمی‌باشد. از این مسئله با کسی سخن نگفتم؛ تا اینکه روزی از کوچهٔ ارک رد می‌شدم که حضرت آیت‌الله بهجت را دیدم. پیش از آنکه من چیزی بگویم ایشان مرا صدا زدند و مرا به کنار دیوار بردند و فرمودند: می‌خواستیم قرائت نماز را بخوانم و شما بین قرائت من درست است یا نه.

برخی بزرگان وقتی درمی‌یافتند قرائت کسی صحیح نیست، در حضور او حمدوسوره را می‌خواندند و از او می‌خواستند قرائت آنان را تصحیح کند و این‌گونه به طرف می‌فهماندند قرائت نمازش اشکال دارد. دربارهٔ امام حسن و امام حسین<sup>ع</sup> نقل شده است که آنان در کودکی از کنار پیرمردی گذشتند که مشغول وضوگرفتن بود، اما بلد نبود وضو را نیکو و صحیح بگیرد. ایشان برای فهماندن اشکال وضوی پیرمرد به او گفتند که ما وضو می‌گیریم و تو قضاوت کن کدام‌یک از ما بهتر وضو می‌گیرد. پس از وضوگرفتن از وی پرسیدند که وضوی چه کسی بهتر بود، آن پیرمرد پاسخ داد: شما هر دو خوب وضو گرفتید؛ این من بودم که وضویم صحیح نبود و اکنون وضوگرفتن را از شما آموختم (مجلسی، بی‌تا، ج ۴۳، ص ۳۱۹، ب ۱۳، ح ۲).

بنابراین، باید مواظب بود در مقام نهی از منکر و انجام دادن تکلیف الهی، خودمان مرتکب منکر و گناه نشویم. هنگام نهی از منکر توهین نکنیم چه بسا گناه توهین بزرگ‌تر از گناه منکری باشد که از آن نهی می‌کنیم. هنگام نهی از منکر عرض و آبروی مسلمانی را نریزیم، زیرا گناه آن بزرگ‌تر و زشت‌تر از گناهی است که از آن نهی می‌کنیم. همچنین باید انگیزهٔ خود را برای انجام دادن تکالیف الهی، از جمله امر به معروف و نهی از منکر بکاویم و بکوشیم نیتمان خالص و الهی باشد و در نظر داشته باشیم که ممکن است گاهی شیطان وسوسه کند و در نتیجه با انگیزهٔ خودنمایی نهی از منکر کنیم. انگیزهٔ خودنمایی در عرصه‌های دیگر، از جمله در مباحث و گفت‌وگوهای علمی نیز وجود دارد و بر اثر همین انگیزه، انسان می‌کوشد دانایی و دانش خود را به دیگران نشان دهد و به آنان بفهماند که فهم و دانش او بیشتر است. باید سعی کنیم تکالیف و اعمال شخصی و تکالیف اجتماعی و واکنش‌هایمان به رفتار دیگران، همه خالص و